

جغرافیا و توسعه شماره ۵۰ بهار ۱۳۹۷

وصول مقاله: ۱۳۹۴/۰۷/۲۱

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۴/۰۴

صفحات: ۱۲۶-۱۰۹

الگوی میان کنش کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد با حکمروایی مطلوب روستایی

نمونه: دشت حسین آباد غیناب در شهرستان سریشه

دکتر سیدحسن مطیعی لنگرودی^{۱*}، دکتر محمدحجی‌پور^۲

چکیده

یکی از دغدغه‌های همیشگی نظام برنامه‌ریزی، توسعه پایدار فضاهای روستایی بوده است. حکمروایی مطلوب روستایی از ملزومات اساسی نیل به توسعه پایدار به‌شمار می‌رود. کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد از جمله عوامل عدیده‌ای است که تاکنون آن را در برپایی و تحقق حکمروایی مطلوب فضا دخیل دانسته‌اند. در دشت حسین آباد غیناب شهرستان سریشه از سال ۱۳۸۴ گروه‌های توسعه روستایی به‌دنبال پروژه بین‌المللی ترسیب کرین، گسترش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. در این مقاله کوشش شده تا به بررسی و تبیین الگوی ارتباطی کارکرد گروه‌های توسعه روستایی به‌عنوان سازمانی مردم‌نهاد با حکمروایی مطلوب در دشت حسین آباد غیناب پرداخته شود. مقاله حاضر دارای رویکردی کاربردی است. برای گردآوری داده‌ها از مطالعات اسنادی و میدانی استفاده شده است. در روش میدانی به تکمیل پرسشنامه پرداخته شد. جامعه آماری شامل روستاهایی از دشت حسین آباد غیناب بوده که علاوه بر شورای اسلامی و دهیاری، گروه‌های توسعه روستایی نیز در آن دایر است. تعداد ۲۶۷ عضو از ۱۹ گروه توسعه روستایی ساکن در ۱۳ روستای ناحیه حسین آباد غیناب به عنوان نمونه با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌طور تصادفی انتخاب شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و انجام معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار LISREL صورت گرفته است. نتایج نشان داد کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد (گروه‌های توسعه روستایی) در دشت حسین آباد غیناب ۴۷ درصد از تغییرات حکمروایی مطلوب در سطح جامعه روستایی را به خود اختصاص داده است. بعد اقتصادی کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد، هم دارای اثر مستقیم و هم غیرمستقیم بر حکمروایی مطلوب روستایی است. در میان ابعاد حکمروایی مطلوب روستایی، مقوله «مشارکت» بیشترین تأثیر را از کارکرد گروه‌های توسعه روستایی پذیرفته است. در مجموع می‌توان گفت با گسترش فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در بطن فضاهای روستایی، زمینه برپایی و استمرار حکمروایی مطلوب تا حد زیادی مهیا می‌شود. واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار روستایی، حکمروایی مطلوب، سازمان مردم‌نهاد، دشت حسین آباد غیناب.

مقدمه

توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی سازمان فضایی هر سرزمین، از اهداف و دغدغه‌های همیشگی نظامات برنامه‌ریزی و دستگاه‌های حکومتی به‌شمار می‌رود. یکی از مؤلفه‌های فرایند توسعه پایدار، مقوله مدیریت است که امروزه تجارب چند دهه برنامه‌ریزی، مؤید تأکید در آن بر روش‌های مشارکتی است. در واقع اعتقاد بر این است که در برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی، الگوی مدیریت محلی با روش مشارکتی بایستی به‌عنوان محور مطالعات مورد توجه برنامه‌سازان و متولیان توسعه فضا قرار گیرد (استعلامی، ۱۳۹۱: ۲۴۰).

واکاوی تجارب و نظریات در عرصه مدیریت محلی حاکی از این است که حفظ تعادل بین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی نسل حاضر و آینده از طریق توسعه پایدار انسانی، تغییر پارادایم را در اداره امور ایجاد کرده است. این تغییر پارادایم به ورود مفاهیمی مانند مشارکت شهروندی، جامعه مدنی، شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و برابری در کنار کارآیی و اثربخشی حکومت محلی انجامیده است و حکمروایی محلی را به‌عنوان پیش‌شرطی برای توسعه پایدار و الگوی مناسبی برای مدیریت شهری و روستایی معرفی کرده است (دریان‌آستانه و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده، موضوع حکمروایی خوب [مطلوب] است. «حکمروایی» ایده جدیدی است که جایگزین مفهوم «حکومت» شده است (Andersen & Van Kempen, 2003: 79).

نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی همچون بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول آن را به‌عنوان «کلید معمای توسعه» مطرح کرده‌اند؛ چراکه حکمروایی مطلوب مدیریت محلی می‌تواند به استفاده مؤثر و کارآمدتر

منابع منجر شود (Mattingly, 1994: 202) و زمینه توسعه اقتصادی، کالبدی و اجتماعی نواحی محلی را مهیا سازد (Rakodi, 2001: 210; Sharma, 1989: 49). بدین‌سان، این موضوع در کشورهای در حال توسعه به‌منظور استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (آرایی، ۱۳۸۸).

حکمروایی مطلوب در فضاهای روستایی فرایندی است که در آن همه ارکان دخیل در روستا بر مدیریت روستایی، با تمام سازوکارهایی که با آنها بتوان به‌سوی تعالی و پیشرفت روستا و مردم روستایی حرکت کرد، با هم متحد می‌شوند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). به بیان دیگر، حکمروایی مطلوب روستایی این تضمین را می‌دهد که اولویت‌های توسعه پایدار فضاهای جغرافیایی مبتنی بر اجماع و اتفاق نظر جامعه محلی سامان و تحقق یابد (UNDP, 2000). این در صورتی است که پایداری و مطلوبیت حکمروایی، منوط به جامع‌نگری و یکپارچه‌نگری در فرایند پایایی و استمرار کارکردی آن است. به عبارت دیگر، زمانی حکمروایی مطلوب تحقق می‌یابد که تمامی کنش‌گران و بازیگران عرصه محلی در همه فرایندهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا و نظارت حضور داشته باشند (Mc Gill, 1998: 465). بدین‌سان، یکی از وظایف و تلاش‌های بایسته مدیران و دست‌اندرکاران توسعه فضاهای جغرافیایی، تسهیل مشارکت و درگیری شهروندان در امور حکمروایی است (Yetano et al., 2009: 3).

به‌منظور مهیاشدن بستر مشارکت روستاییان در فرایند حکمروایی مطلوب، سازوکارها و مکانیسم‌های متنابهی را می‌توان شناسایی و به‌کار بست که در میان آنها، رونق و گسترش «سازمان‌های مردم‌نهاد [غیر دولتی]» از مهم‌ترین و کارآمدترین نظامات بهره‌گیری از مشارکت فعال و همه‌جانبه مردم محلی

سازمان‌ها در فضاهای شهری و روستایی افزوده می‌شود. به طوری که براساس آمار تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد در سال ۱۳۸۷ از ۷۹۲ مورد به ۱۲۸۳ سازمان مردم‌نهاد در کل کشور افزایش یافته است (وزارت کشور، ۱۳۹۲).

ترویج و گسترش گروه‌های توسعه روستایی^۲ به‌عنوان گونه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد در دشت حسین‌آباد غیناب شهرستان سریشه از سال ۱۳۸۴ به‌دنبال انجام پروژه بین‌المللی ترسیب کرین اتفاق افتاده است. هدف اصلی از ترویج گروه‌های توسعه روستایی در محدوده یادشده، مدیریت منابع طبیعی (مراعات) و بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان ساکن در دشت حسین‌آباد غیناب بوده است (فال‌سلیمان و حجی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

فعالیت چندین ساله این گروه‌های توسعه در فضاهای روستایی ناحیه حسین‌آباد غیناب از یک‌سو و ضرورت تحقق توسعه پایدار مکانی-فضایی در آن از سوی دیگر، یکی از مسائلی را که فراروی برنامه‌سازان و متولیان توسعه منطقه قرار داده، این است که چه‌طور می‌توان با گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه روستایی ناحیه حسین‌آباد غیناب، علاوه‌بر اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به حکمروایی مطلوب محلی دست یافت؟ در این مقاله تلاش شده است تا الگوی ارتباط میان کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد با حکمروایی مطلوب روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب تحلیل شود. مهم‌ترین سئوالات تحقیق به شرح زیر بوده است:

کارکرد گروه‌های توسعه روستایی دارای چه اثرات اقتصادی و اجتماعی در فضای روستایی است؟

است و به‌عنوان بخش سوم در کنار بخش خصوصی (بازار) و بخش عمومی (دولت) در اداره جامعه نقش دارد (رضوانی، ۱۳۸۴: ۷۴؛ شاه‌بهرامی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰۶)؛ از این رو می‌توان سازمان‌های مردم‌نهاد را یکی از شرکای دولت‌های محلی در امر تصمیم‌گیری و بسامان‌سازی فضای جغرافیایی به‌شمار آورد (Lowndes et al., 2001: 209).

به‌طور کلی، سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از ابزارهای اساسی مدیریت دولتی نوین در جهت رشد و توسعه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و توسعه‌ای هستند و در اکثر کشورها نقشی اساسی در فرایند توسعه برعهده دارد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲). برای ارتقای موفقیت‌ها و اثربخشی در انجام مسئولیت‌ها، توسعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)^۱ امری مهم و قابل اعتناست؛ به‌گونه‌ای که دخالت‌دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و نحوه انجام امور می‌تواند سازمان‌های دولتی را نیز در رسیدن به اهداف سازمانی یاری سازد (خورشیدوند، ۱۳۸۸: ۳۳). در واقع، سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) با «توانمندسازی» و «برانگیختن ابتکار عمل فردی» در روستاییان (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰: ۳۵)، زمینه مشارکت فعالانه و ثمربخش‌شان را در عمران، بهسازی و توسعه‌بخشی (کمی و کیفی) فضاهای زیستی‌شان مهیا می‌سازد.

براساس آمار جهانی، در پایان قرن بیستم بیش از پنجاه هزار سازمان مردم‌نهاد در کشورهای درحال توسعه فعالیت داشته است که زندگی ۲۵۰ میلیون نفر تحت تأثیر مستقیم کارکرد این سازمان‌ها بوده است (Besley & Ghatak, 1999: 12). با توجه به آثار مثبت مستقیم و غیرمستقیم سازمان‌های مردم‌نهاد بر ساخت و کارکرد اقتصادی و اجتماعی مناطق جغرافیایی، در همه کشورهای توسعه‌یافته و کم‌توسعه از جمله کشور ما همه‌ساله بر تعداد این

۲- گروه‌های توسعه روستایی (V.D.Gs)، سازمان یا نهادی اجتماعی و غیردولتی است که در کانون‌های روستایی متشکل از جامعه محلی شکل می‌یابد. افراد محلی با کمک یکدیگر، گروه‌های مزبور را شکل می‌دهند تا با مشارکت جمعی، مشکلات و موانع حاکم‌بر سر راه زندگی و حصول پیشرفت در ابعاد مختلفی حیات روستایی، خصوصاً بعد اقتصادی و اجتماعی را برطرف سازند.

- شاخص‌های حکمروایی مطلوب در نواحی روستایی در چه سطحی قرار دارد؟
- کارکرد گروه‌های توسعه‌روستایی از چه مدل ارتباطی با حکمروایی مطلوب روستایی برخوردار است؟

مبانی نظری

توسعه را می‌توان آرمان و هدف غایی هر نظام برنامه‌ریزی دانست که در همه جنبه‌های زندگی انسانی تسری یافته است و علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین امتیازها و وجهه نظرها، عمومی مردم است. توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد (فال‌سلیمان و حجتی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۸؛ Lehmann, 1979: 9-32). بنابه تعریف بانک جهانی، توسعه روستایی، استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستاییان فقیرند، طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به‌دنبال امرار معاش هستند. فقرای روستایی به‌طور عمده شامل کشاورزان خرده‌پا، اجاره‌نشین‌ها و خوش‌نشین‌ها می‌شود (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۲: ۷۴).

تجارب چند دهه برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های مکانی- فضایی در چارچوب رویکرد توسعه روستایی‌ای که تنها با محوریت یک یا چند بُعد محدود بوده است. نظریه‌پردازان و برنامه‌سازان را نسبت به اهمیت مقوله محیط زیست در فرایند توسعه واقف ساخته است؛ از این رو توسعه پایدار به‌عنوان مفهومی جامع که دربرگیرنده همه جنبه‌های زندگی بشر بوده (مطیعی‌لنگرودی و شمسایی، ۱۳۸۸: ۵۵) پا به منصفه ظهور نهاده است و رویکرد غالب برنامه‌ریزی

توسعه به‌طور اعم و برنامه‌ریزی توسعه فضاهای روستایی به‌طور اخص شده است. توسعه پایدار روستایی عبارت است از فرایند کمک به مردم روستایی از طریق اولویت‌بندی نیازهایشان، فعال کردن آن و سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، برقراری عدالت و برابری با توجه به ظرفیت‌های محلی و رفتارهایی برخلاف همه بی‌عدالتی‌های گذشته و تضمین سلامتی و امنیت آن‌ها (S.A.R.D.F, 2005).

در کلیت آن بایستی از نظر زیست‌محیطی غیرمخرب، از نظر فنی مناسب و از نظر اقتصادی ماندگار و از نظر اجتماعی قابل‌پذیرش باشد؛ اما از منظر جغرافیایی آن می‌توان توسعه پایدار روستایی را «پایایی فرایند دگرش‌های ساختاری و کارکردی فضا (روستا) در جهت تأمین نیازهای زیستی و عقیدتی- آرمانی انسان روستانشین به فراخور زمان و مکان و همچنین کیفیت‌بخشیدن به آن با تأکید بر حفظ بنیان‌های سازنده فضای جغرافیایی» تعریف کرد.

یکی از ضرورت‌ها و بنیان‌های اساسی در جهت استیلا توسعه پایدار فضاهای جغرافیایی، حکمروایی مطلوب بیان شده است (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۶). به‌طوری‌که طبق گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، سرمایه‌گذاری در حکمروایی دموکراتیک به پیشرفت در اهداف توسعه کمک خواهد کرد (قنبری، ۱۳۹۱: ۲۴۰).

بررسی سابقه نظری مفهوم حکمروایی نشان می‌دهد که از قدمتی برابر با تمدن بشری برخوردار است (فرزین‌پاک، ۱۳۸۳: ۶۸)؛ اما به‌لحاظ کاربرد در مطالعات آکادمیکی برای اولین بار در خصوص فضاهای شهری مورد استفاده قرار گرفته است. برایان مک‌لالین نیز اولین نظریه‌پردازی است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخته است (زریبایی، ۱۳۸۷: ۲).

چنانچه به‌خوبی گسترش یابد، آنگاه تغییر در قواعد ساختار دولتی، توازن حقوق ذی‌نفعان، بهبود روش‌های تصمیم‌گیری، اجرای قانون، مشارکت مردمی و نظایر آن نیز به‌خوبی تحقق پیدا خواهد کرد (Welch, 2002: 67)؛ بنابراین می‌توان حکمروایی خوب را «روند یا هدفی دانست که باید بتواند فقر، نامنی و تبعیض را از میان بردارد و همچنین محیطی را ایجاد کند که سازمان‌های مدنی، بخش بازرگانی، شهروندان خصوصی و دیگر نهادهای موجود خود را مالک روند توسعه و مدیریت بخش‌ها بدانند یا به‌عبارتی در این روند احساس مالکیت کنند».

چهار رکن اصلی حکمروایی خوب عبارت‌اند از: «بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به‌عهده دارد؛ بخش‌های خصوصی که عهده‌دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب‌وکار را به‌عهده دارد؛ جامعه مدنی که فراهم‌کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است و سازمان‌های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ‌های بومی را به‌عهده دارد» (آرایه، ۱۳۸۸).

تعامل خوب و روان بین ارکان فوق، زمینه را برای تحقق حکمروایی مطلوب در ابعاد مختلف فضای جغرافیایی فراهم می‌کند. در واقع حکمروایی مطلوب صرفاً انجام وظایف نیست؛ بلکه چگونگی و شیوه انجام وظایف را نیز شامل می‌شود. هدف‌ها و روش‌ها، هر دو اهمیت یکسانی برای حکمروایی مطلوب دارد.

حکمروایی مطلوب دارای هشت مؤلفه اصلی است (شکل ۱) که تضمین‌کننده کمینه‌شدن فساد، احترام به‌نظر اقلیت‌ها و اقشار آسیب‌پذیر در انجام تصمیم‌گیری است. همچنین حکمروایی مطلوب در قبال نیازهای کنونی و آینده جامعه مسئول است (Kaufmann et al, 2000: 42). معیارها و متغیرهای

حکمروایی یا Governanc در لغت به‌معنای شیوه حکومت‌کردن آمده است (کایر، ۱۳۸۶: ۳). در حوزه مفهوم، حکمروایی از گستردگی خاصی برخوردار است و با حوزه‌هایی چون اقتصاد و یا به‌عبارتی امنیت اقتصادی، سیاست، اجتماع و حقوق ارتباط متقابل و مستقیم دارد (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱: ۲).

بنا به تعریف مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد، حکمروایی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-HABITAT, 2002: 5). در کل حکمروایی مطلوب شامل سنت‌ها، نهادها و فرایندهایی است که تعیین می‌کند چگونه تصمیمات دولتی به‌صورت روزانه اتخاذ می‌شود (UNESCAP, 2009).

در نظریه حکمروایی، کارآمدی حکومت تابعی از چگونگی ارتباط مردم با حکومت است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۴)؛ از این‌رو، حکمروایی خوب (مطلوب) به‌منزله سلسله‌مراتبی‌شدن قدرت دولت و تقسیم آن به سطوح فوق‌الذکر همراه با مشارکت مردم، نهادهای محلی و سازمان‌های غیردولتی است که می‌تواند صدای فقیرترین، کوچک‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد و گروه‌های جامعه و سکونتگاه‌های دور از مرکز و در حاشیه را به گوش تصمیم‌گیران در هنگام تخصیص منابع عمومی رساند (UNDP, 2000).

حکمروایی مطلوب روستایی در حوزه حکمروایی منطقه‌ای قرار می‌گیرد که شامل آن قدرتی است که استعدادها را برای عمل کردن، به‌وسیله آمیزه‌ای از منابع و مهارت‌ها و اهداف‌شان در مشارکتی پایدار و ماندنی هدایت می‌کند (Goodwin, 1998: 120) که

مشارکت: به معنای وجود امکان حضور همه افراد جامعه در تصمیم‌گیری و امر قدرت چه از طریق مستقیم چه غیرمستقیم است.

حاکمیت قانون (قانون‌مداری): عبارت است از حمایت کامل از حقوق همه انسان‌ها به‌ویژه انسان‌های درحاشیه‌مانده و فقیر و حقوق مکان‌هاست.

پاسخ‌گویی: فرآیندی را شرح می‌دهد که توسط آن، سازمان‌ها، مدیران و انجمن‌های دایر در جامعه، مسئول نتایج تصمیم‌ها و فعالیت‌هایشان هستند.

شفافیت: فرآیندی است که اطلاعات مربوط به شرایط موجود، تصمیمات و اقدامات را قابل‌دسترسی، قابل‌رویت و قابل‌فهم می‌کند. شفافیت با پاسخ‌گویی رابطه نزدیکی دارد.

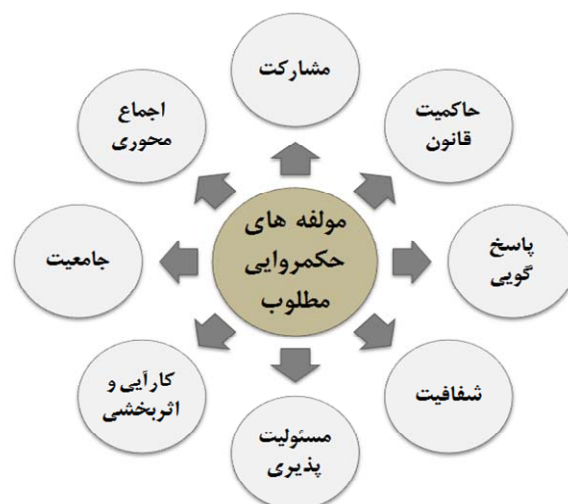
مسئولیت‌پذیری: همه نهادها و دستگاه‌های جامعه بایستی علاوه بر اهتمام برای ارائه خدمات به همه ذی‌نفعان، بایستی در قبال جامعه احساس مسئولیت داشته و پاسخ‌گو باشند.

اصلی حکمروایی مطلوب را می‌توان به شرح زیر تعریف کرد (عظیمی‌آملی و افتخاری، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۳):
کارآیی: عبارت است از بیشترین استفاده از منابع موجود به‌نحوی که بیشترین برون‌داد با کمترین هزینه به‌دست آید؛

اثربخشی: عبارت است از درجه یا میزان موفقیت سازمان‌ها، نهادها و انجمن‌ها در دستیابی به اهداف ازپیش‌تعیین‌شده؛

جامعیت: در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از تمامی فرصت‌های برابر برخوردار باشند؛

اجماع‌محوری: بدین معناست که در جامعه با وجود کنشگران متعدد و گروه‌های مختلف با دیدگاه‌ها و منافع گوناگون، سطح توافقات گسترده درباره آنچه که بهترین منافع را برای آحاد جامعه در پی دارد، فراهم شود؛



شکل ۱: مؤلفه‌های حکمروایی مطلوب
مأخذ: UN-HABITAT, 2006

روستاهای هند را می‌توان نام برد. نظام مذکور در هند، متشکل از سازمان‌های محلی است که

از تجربیات موفق در زمینه حکمروایی مطلوب روستایی، نظام دموکراتیک مدیریت محلی در سطح

به‌عنوان عوامل و سازندگان توسعه خودشان معرفی می‌شوند (Cornwall, 2002: 16). بر این اساس در جهان سوم، سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره به سازمان‌هایی دارد که فقط دارای هدف توسعه‌یافتگی جامعه هستند (سلطانی، ۱۳۸۸: ۳۰).

سازمان‌های مردم‌نهاد مشارکت افراد جامعه را در فرایند توسعه تقویت می‌کند (سعیدی، ۱۳۸۱: ۵۸) و به سبب فارغ‌بودن از بوروکراسی پیچیده بخش دولتی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی، این امکان را فراهم ساخته تا در زمینه‌هایی چون مبارزه با فقر و گرسنگی، حفاظت از محیط زیست، جنگل‌داری، افزایش آگاهی‌های عمومی، رفاه، بهداشت جامعه و خانواده، توجه به امور زنان و کودکان، کاهش آسیب‌های اجتماعی، امداد رسانی بین‌المللی، حقوق بشر، حکمروایی مطلوب روستایی و شهری، حمایت از جامعه مدنی و جامعه مبتنی بر خدمات‌رسانی و... موفق‌تر از بخش‌های خصوصی و دولتی عمل کند (محمدی، ۱۳۸۳: ۶۵؛ 21؛ 2009؛ Lawry).

همان‌گونه که لوری اذعان داشته است، کنش و اثرگذاری کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در امر حکمروایی مطلوب سکونتگاه‌های انسانی به‌ویژه روستاها، امری بدیهی است و درنهایت منجر به توسعه پایدار فضاهای مذکور می‌شود؛ چراکه سازمان‌های مردم‌نهاد به‌دلیل مشارکت‌جویی افراد محلی و همچنین زمینه‌سازی و تحکیم فضای دموکراتیک در جامعه، از کارآمدی و تبعات مثبتی در استیلاي توسعه پایدار فضاهای جغرافیایی برخوردار است (Cernea, 1988: 1; Collingwood, 2006: 438;) (Madon, 1999: 252).

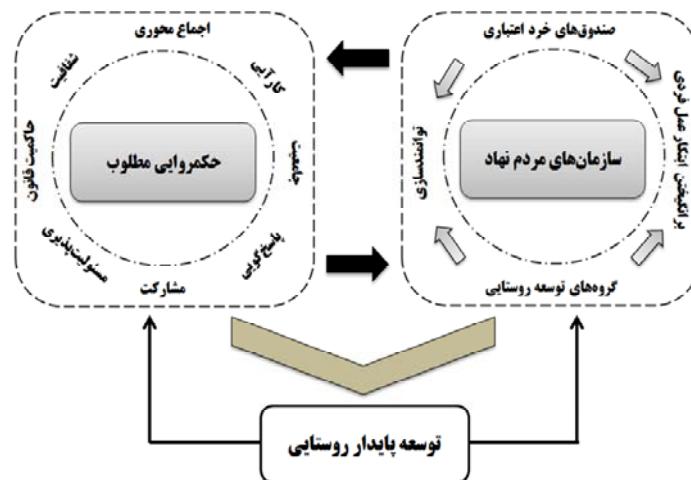
درخصوص بررسی ارتباط و نقش سازمان‌های مردم در حکمروایی مطلوب روستایی، عمده تحقیقات صورت‌گرفته مربوط به خارج از حوزه سرزمینی

اختیاراتشان را از دولت‌های ایالتی می‌گیرند و به روستاییان خدمات محلی ارائه می‌کنند (قالیباف، ۱۳۸۰: ۹۹-۹۷). کره جنوبی نیز مصداق دیگری است که با جنبش نوسازی روستاها از دهه ۱۹۷۰، گرایش به سوی حکمروایی مطلوب در آنجا شروع شده و به یکی از موفق‌ترین تجربیات رهیافت حکمروایی مطلوب روستایی مبدل شده است. این جنبش از طریق انتخاب رهبران روستایی به‌وسیله مردم، تعامل مناسبی میان کارگزاران دولتی و روستاییان ایجاد کرده است (عمادی، ۱۳۸۷: ۳۰-۲۷). در کل حکمروایی مطلوب بر چگونگی دست‌یافتن به حکومتی که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابرخواهانه باشد، تأکید دارد (عربشاهی، ۱۳۸۳: ۹) که این امر از یک سو سبب تسریع روند توسعه در روستاها و از سوی دیگر باعث برپایی توسعه‌ای متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی مناطق می‌شود؛ به‌همین دلیل امروزه گسترش رهیافت حکمروایی مطلوب روستایی مستلزم آن است که مردم و جوامع روستایی در تشکلهای مدنی به‌صورت شبکه‌های کوچک اجتماعی سازماندهی شوند تا از توانایی‌ها، استعدادها و خلاقیت‌هایشان به‌گونه‌ای مناسب استفاده کنند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳)؛ از این رو، کارکرد سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در جهت تفوق در حکمروایی مطلوب روستایی اهمیتی راهبردی می‌یابد.

سازمان غیردولتی یا مردم‌نهاد، سازمانی است که با سازوکاری ویژه بستر همکاری میان گروه‌های اجتماعی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انسان‌دوستانه و تکنیکی به‌وجود می‌آورد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۱: ۳۰). در چارچوب رویکرد تئوریک حاکم‌بر سازمان‌های مردم‌نهاد، مردم نه به‌عنوان یک ذی‌نفع منفعل و نه به‌عنوان تنها یک مصرف‌کننده؛ بلکه

مطالعات نظری و بررسی تحقیقات پیشین می‌توان مدل مفهومی زیر را برای مقاله پیش‌رو ترسیم کرد (شکل ۲).

کشورمان است که تحقیقات یاو و پارکر^۱ (۱۹۹۴)، اویگی^۲ (۲۰۰۴) و اندرسون^۳ (۲۰۰۸) از آن دسته هستند. در داخل کشور نیز در زمینه یادشده کمتر مطالعاتی را می‌توان شاهد بود. در مجموع برپایه



شکل ۲: مدل مفهومی تحقیق

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۴

مواد و روش‌ها

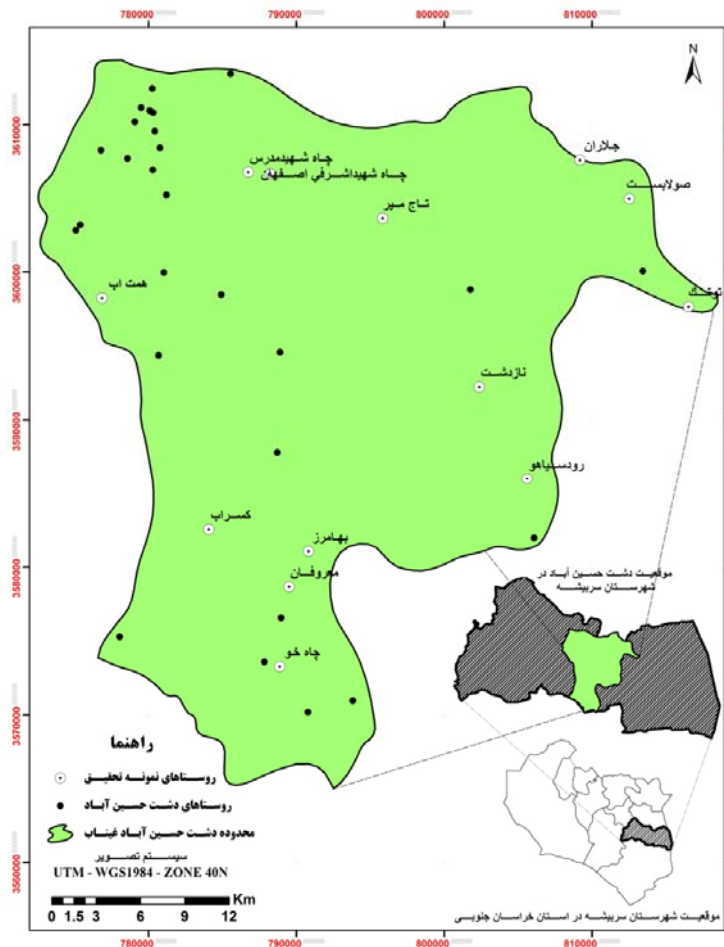
این مقاله به‌لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی است. گردآوری داده‌های موردنیاز به کمک مطالعات اسنادی و میدانی انجام شده است. در روش میدانی از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه یا ابزار تحقیق در دو سطح طراحی شده است: سطح اول، پرسشنامه «روستا» بوده که به کمک آن حکمروایی مطلوب روستایی در چارچوب هشت مقوله و ۲۴ شاخص سنجدیده شده است. پاسخ پرسش‌ها در قالب یک نرم عددی (۱، ۳، ۵، ۷ و ۹) که عدد ۱ معرف کمترین میزان عملکرد و ۹ بیشترین میزان عملکرد بوده، از دهیاران و اعضا شوراهای اسلامی روستاها در ناحیه حسین‌آباد غیناب سربیشه پرسیده شده است.

سطح دوم، پرسشنامه «خانوارهای عضو گروه‌های توسعه روستایی» بوده که اثرات اقتصادی و اجتماعی کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد (گروه‌های توسعه روستایی) به کمک ۲۶ شاخص بررسی شده است. پاسخ سؤالات این پرسشنامه نیز در طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) جمع‌آوری شده است.

روایی ابزار گردآوری داده به کمک استادان و متخصصان زمینه موردبحث ارزیابی شده است. میزان پایایی آن در جامعه مورد مطالعه با انجام پیش‌آزمون و محاسبه آلفای کرونباخ به‌دست آمده است که میزان آن برای پرسشنامه حکمروایی مطلوب روستایی (پرسشنامه روستا) برابر با ۰/۸۴۸ و برای پرسشنامه خانوارهای عضو گروه‌های توسعه روستایی برابر با ۰/۸۰۴ بوده است.

عضو فعالیت دارند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه گروه‌های مورد مطالعه ۱۹ گروه با ۲۶۷ عضو تعیین شده است. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌طور تصادفی افراد نمونه انتخاب شد. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده در بخش آمار توصیفی به کمک نرم‌افزار SPSS 19 و همچنین ارزیابی و تحلیل مدل ارتباطی میان کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد (گروه‌های توسعه روستایی) با حکمروایی مطلوب روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب به کمک نرم‌افزار LISREL 8.5 انجام شده است.

در مجموع سکونتگاه روستایی دشت حسین‌آباد غیناب در ۳۹ آبادی (تا پایان شهریورماه ۱۳۹۰) آن گروه‌های توسعه روستایی فعالیت داشته است. در میان آنها ۱۳ روستا که هم دارای شورای اسلامی و دهیاری بوده و هم گروه‌های توسعه روستایی فعالیت برپا می‌باشد، به‌عنوان روستاهای مورد مطالعه انتخاب شده (شکل ۳) و به همه این روستاها در جهت پرسشگری مراجعه شده است. پرسشنامه‌های روستا با انجام مصاحبه و پرسشگری از ۲۹ عضو شورا و دهیار در ۱۳ روستای ناحیه تکمیل شد. در این روستاها، تعداد ۴۰ گروه توسعه روستایی با ۹۸۰



شکل ۳: نقشه موقعیت روستاهای دشت حسین‌آباد غیناب در شهرستان سربیشه

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۱

یافته‌های تحقیق

اول: اثرات اقتصادی گروه‌های توسعه روستایی در ناحیه حسین‌آباد غیناب

گروه‌های توسعه روستایی غالباً با اهداف اقتصادی و اجتماعی شکل می‌یابد. در واقع این گروه‌ها به دنبال تقویت بنیان‌های اقتصادی و شاخصه‌های محیط اجتماعی تشکیل می‌شود. مطالعات در ناحیه حسین‌آباد غیناب شهرستان سریشه نشان داد (جدول ۱)، اثرات اقتصادی گروه‌های توسعه روستایی دارای میانگین ۲/۶ یعنی در حد متوسط بوده است. در میان شاخص‌های اقتصادی، کارکرد گروه‌های

توسعه روستایی بیشترین تأثیر را بر افزایش درآمد کلی خانوارهای روستایی داشته است. پس از آن، میزان دسترسی به وام‌های اشتغال‌زا دارای بیشترین تابعیت از کارکرد گروه‌های توسعه روستایی و صندوق‌های خرد اعتباری داشته است. در واقع می‌توان گفت، گروه‌های توسعه روستایی با مهیا ساختن زمینه دسترسی به اعتبارات از سوی روستاییان، اشتغال و کارآفرینی در فضای روستاهای مورد مطالعه را رونق بخشیده که به تبع آن سطح درآمدی خانوارها اعم از درآمد دائمی و موقت به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است.

جدول ۱: میزان اثرات اقتصادی گروه‌های توسعه روستایی در محدوده مورد مطالعه

میانگین رتبه‌ای	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	گروه‌های بعد اقتصادی (ECO)
۳/۴	۷	۴۵	۹۵	۴۰	۲۲	افزایش درآمد کلی خانوار (eco1)
۲/۵	۶	۱۹	۸۸	۵۸	۳۸	ایجاد درآمد موقت برای خانوار (eco2)
۲/۶	۱	۳۱	۹۶	۴۷	۳۴	افزایش تعداد افراد شاغل پاره‌وقت خانوار (eco3)
۲/۳	۰	۲۶	۸۴	۵۵	۴۴	افزایش تعداد افراد شاغل دائمی خانوار (eco4)
۲/۷	۳	۳۳	۸۹	۳۰	۵۲	تسهیل و تعدد دریافت وام‌های اشتغال‌زا (eco5)

مأخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۱

دوم: اثرات اجتماعی گروه‌های توسعه روستایی در ناحیه حسین‌آباد غیناب

بررسی وضعیت میزان اثرات اجتماعی گروه‌های توسعه روستایی نشان داد (جدول ۲)، به دنبال پایایی و گسترش این گروه‌ها، بیشترین حد اثرگذاری آن بر دسترسی به انرژی‌های نو (انرژی خورشیدی) به میزان ۳/۹ یعنی در سطح زیادی بوده است. در واقع از آنجا که برای اولین بار گروه‌های توسعه روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب به وسیله پروژه ترسیب کربن با اهداف زیست‌محیطی و اقتصادی، راه‌اندازی و گسترش یافته است، استفاده از آبگرمکن خورشیدی به جای

بهره‌گیری از مراتع و بقایای پوشش گیاهی، در اولویت اهداف کارکردی این گروه‌ها تعریف شده است؛ از این رو، بیشترین اثرات گروه‌های یادشده در زمینه گسترش استفاده از انرژی خورشیدی به‌عنوان انرژی نو در ناحیه حسین‌آباد غیناب بوده است.

همچنین کارکرد گروه‌های توسعه روستایی در محدوده مورد مطالعه سبب افزایش حضور اعضاء در فعالیت‌های گروهی (همیاری) و افزایش تلاش برای رفع مشکلات و نیازهای دیگر افراد محلی عضو با میانگین رتبه‌ای ۳/۸ شده است. در مراتب بعدی، بیشترین اثرگذاری کارکرد گروه‌های توسعه روستایی

زباله‌ها با میانگین رتبه‌ای ۱/۶ یعنی در حد کمی بوده است. بدین‌سان می‌توان گفت میزان اثرگذاری کارکرد گروه‌های توسعه روستایی در ابعاد اجتماعی زندگی روستانشینان دشت حسین‌آباد غیناب در حد متوسط (با میانگین ۲/۶) ارزیابی شده است.

بر مواردی همچون افزایش دسترسی به امکانات رفاهی (با میانگین رتبه‌ای ۳/۴)، کمک به ارتقاء سوادآموزی و تحصیل در روستا (با میانگین رتبه‌ای ۳/۴) و دسترسی مناسب به آب بهداشتی (با میانگین رتبه‌ای ۳/۴) بوده است. کمترین سطح اثرگذاری گروه‌های توسعه روستایی بر جمع‌آوری بهداشتی

جدول ۲: میزان اثرات اجتماعی گروه‌های توسعه روستایی در محدوده مورد مطالعه

میانگین رتبه‌ای	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	گویه‌های بُعد اجتماعی (SOC)
۳/۴	۷	۳۴	۱۲۴	۵۴	۷	کمک به ارتقاء سوادآموزی و تحصیل در روستا (soc1)
۲/۹	۲	۲۸	۷۷	۱۱۵	۹	بهبود فضاهای آموزشی موجود (soc2)
۲/۶	۰	۲۲	۹۷	۹۷	۱۲	ساخت فضاهای آموزشی جدید (soc3)
۲/۸	۰	۵۶	۸۳	۷۱	۱۹	برانگیختن تمایل اعضا به سوادآموزی (soc4)
۲/۱	۱	۳۷	۴۱	۸۲	۶۶	ایجاد خانه بهداشت (soc5)
۲/۲	۲	۴۶	۹۴	۶۷	۱۸	دسترسی مناسب به خدمات درمانی (soc6)
۳/۳	۵	۱۰۳	۹۱	۱۶	۱۴	دسترسی مناسب به آب بهداشتی (soc7)
۲/۲	۲	۲۵	۸۹	۸۷	۲۷	دسترسی بیشتر به آموزش‌های بهداشتی (soc8)
۲/۴	۳	۴۱	۷۰	۴۸	۶۸	دسترسی مناسب به حمام بهداشتی (soc9)
۲/۳	۳	۲۰	۶۵	۸۴	۵۵	دسترسی مناسب به توالی بهداشتی (soc10)
۱/۶	۲	۹	۱۷	۶۳	۱۳۶	جمع‌آوری بهداشتی زباله‌ها (soc11)
۱/۷	۳	۱۷	۳۰	۴۶	۱۳۱	ایجاد غسالخانه (soc12)
۳/۸	۹	۹۴	۷۹	۴۶	۱۳	افزایش حضور در فعالیتهای گروهی (همیاری) (soc13)
۳/۸	۱	۱۰۱	۹۴	۳۳	۱۲	افزایش تلاش برای رفع مشکلات و نیازهای اعضا (soc14)
۳/۴	۵	۸۰	۱۰۷	۳۲	۱۱	افزایش امکانات رفاهی (وسایل منزل، خودرو...) (soc15)
۲/۱	۴	۵۱	۷۱	۵۷	۴۸	ساخت راه‌های ارتباطی (soc16)
۳/۹	۳	۶۴	۱۱۵	۱۹	۲۸	افزایش دسترسی به انرژی‌های نو (soc17)
۱/۹	۶	۳۸	۱۶	۲۷	۱۴۰	گسترش دفاتر خدمات پستی (soc18)
۲/۵	۴	۴۶	۳۰	۲۹	۱۲۰	افزایش دسترسی به تلفن یا موبایل (soc19)
۲/۲	۳	۴۷	۳۶	۳۸	۱۰۱	افزایش دسترسی به وسایل نقلیه عمومی (soc20)
۲	۷	۵۳	۹	۲۳	۱۳۳	افزایش دسترسی به برق (soc21)

مأخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۱

روستایی در مجموع ناحیه مورد مطالعه برابر با ۵/۱ بوده است. در میان مؤلفه‌های حکمروایی مطلوب روستایی، جامعیت و مشارکت با میانگین رتبه‌ای ۵/۷ دارای بیشترین میزان بوده است. پس از آن به ترتیب میزان نمره مؤلفه شفافیت برابر با ۵، میانگین دو مؤلفه کارآیی و اثربخشی به همراه پاسخ‌گویی ۴/۹،

سوم: حکمروایی مطلوب روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب

با استفاده از ۲۴ شاخص در قالب هشت مؤلفه، حکمروایی مطلوب در روستاهای ناحیه حسین‌آباد غیناب مورد بررسی واقع شد. طبق مطالعات صورت گرفته (جدول ۳) میانگین رتبه‌ای حکمروایی مطلوب

حدودی به اعتقاد برجامانده از زندگی عشیره‌ای سابق باز می‌گردد^۱ که برخی معتقدند نایستی جایگاه زنان را در تصمیمات و حکمروایی با مردان یکسان دانست.

میزان مؤلفه حاکمیت قانون ۴/۸، میزان مؤلفه مسئولیت‌پذیری ۴/۷ و در نهایت، کمترین میزان مربوط به مؤلفه اجماع‌محوری با میانگین ۴/۳ بوده است. دلیل اصلی پایین‌بودن مؤلفه اجماع‌محوری تا

جدول ۳: میزان مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی در ناحیه حسین‌آباد غیناب سربیشه

مؤلفه	شاخص	میانگین رتبه‌ای شاخص	میانگین رتبه‌ای مؤلفه
کارآیی و اثربخشی (EFF)	عملکرد مالی و اعتباری (eff1)	۴/۸	۴/۹
	عملکرد وظیفه‌ای (eff2)	۴/۵	
	رضایتمندی روستاییان از عملکرد (eff3)	۴/۶	
	برنامه‌محور بودن دهیاری (eff4)	۴/۱	
	اقدام در چارچوب برنامه و وظایف (eff5)	۵/۱	
	هزینه‌کرد اعتبارات در چارچوب بودجه (eff6)	۶/۵	
جامعیت (COL)	فرصت برابر برای دسترسی به خدمات دهیاری (col1)	۵/۹	۵/۷
	حمایت از اقشار ضعیف و کم‌درآمد (col2)	۵/۴	
اجماع‌محوری (SOCI)	سهم زنان از فرصت‌های اجتماعی موجود (soci1)	۴/۶	۴/۳
	فرصت برابر در دسترسی به قدرت (soci2)	۴	
مشارکت (PAR)	تشکیل شورای منتخب محلی (par1)	۸/۴	۵/۷
	انتخابی‌بودن مدیر محلی روستا (par2)	۶/۵	
	تشکیل سازمان‌های جامعه مدنی (par3)	۴/۲	
	مشارکت در اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی (par4)	۳/۵	
شفافیت (TRA)	شفافیت مالی (tra1)	۵/۳	۵
	شفافیت برنامه‌ای و عملکردی (tra2)	۴/۶	
مسئولیت‌پذیری (RES)	کنترل به‌وسیله سطوح بالاتر حکومتی (res1)	۴/۷	۴/۷
	میزان اختیارات دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستایی (res2)	۵/۳	
	رویه‌های رفتاری دهیاری و شوراهای اسلامی روستایی (res3)	۴/۲	
پاسخ‌گویی (ANS)	سازوکار رسیدگی به شکایت‌ها (ans1)	۵	۴/۹
	وضعیت شکایت‌های مردمی از دهیاری و شورا (ans2)	۴/۷	
حاکمیت قانون (AUT)	حسابرسی دهیاری‌ها (aut1)	۴/۹	۴/۸
	ثبت و نگهداری اسناد (aut2)	۵/۱	
	سازوکار بهره‌برداری از تجهیزات و منابع عمومی (aut3)	۴/۳	

مأخذ: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۱

۱- بخشی از افراد مورد مطالعه، در گذشته عشایر کوچ‌نشین از ایل بهلولی بوده‌اند که به‌مرور زمان طی برنامه‌های اسکان خودجوش و با برنامه در سکونتگاه‌هایی همچون نازدشت اسکان یافته‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الگوی کنش و ارتباط میان کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در دشت حسین‌آباد غیناب که در این تحقیق گروه‌های روستایی در نظر گرفته شده است، با حکمروایی مطلوب روستایی از طریق انجام معادلات ساختاری به‌دست آمده است. از آنجاکه سطح

معنی‌داری معادلات ساختاری انجام‌شده کمتر از ۰/۰۵ و مقدار شاخص RMSEA کمتر از ۰/۰۸ بوده است، می‌توان گفت مدل ارائه‌شده با میزان اطمینان ۹۵ درصد در جامعه مورد مطالعه معنی‌دار و از برازش قابل‌قبولی برخوردار بوده است (جدول ۴).

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری کنش کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد با حکمروایی مطلوب روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب

عنوان شاخص	نماد	مقدار مدل تحقیق	مقدار استاندارد
کای اسکور	χ^2	۲۷۳/۱۲	-
سطح معناداری	P-Value	۰/۰۳	۰/۰۵
درجه آزادی	df	۳۵۳۹	-
جذر برآورد واریانس خطای تقریب	RMSEA	۰/۰۷۲	کمتر از ۰/۰۸
شاخص برازندگی تطبیقی	CFI	۰/۹۴	>۰/۹
شاخص نرم‌شده برازندگی	NFI	۰/۹۲	>۰/۹
شاخص برازندگی	GFI	۰/۹۱	>۰/۹
شاخص تعدیل برازندگی	AGFI	۰/۹۱	>۰/۹

مأخذ: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱

در این تحقیق، اصلی‌ترین فرضیه این بوده است که: «کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد بر حکمروایی مطلوب روستایی تأثیر دارد». برپایه جدول شماره ۵، از آنجاکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده، می‌توان گفت دو متغیر مورد مطالعه دارای ارتباط معنادار بوده است.

بدین‌سان، فرض طرح‌شده که مبین اصلی مسیر در مدل ترسیم‌شده و وجود رابطه میان دو سازه کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و حکمروایی مطلوب روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب بوده، تأیید می‌شود.

جدول ۵: مقادیر روابط سازه کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد با حکمروایی مطلوب روستایی

متغیر	مسیر	R2	مقدار t	سطح معناداری
کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد	NGOs→GOV.G	۰/۴۸۳	۲/۴۰	۰/۰۱
حکمروایی مطلوب روستایی				

مأخذ: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۱

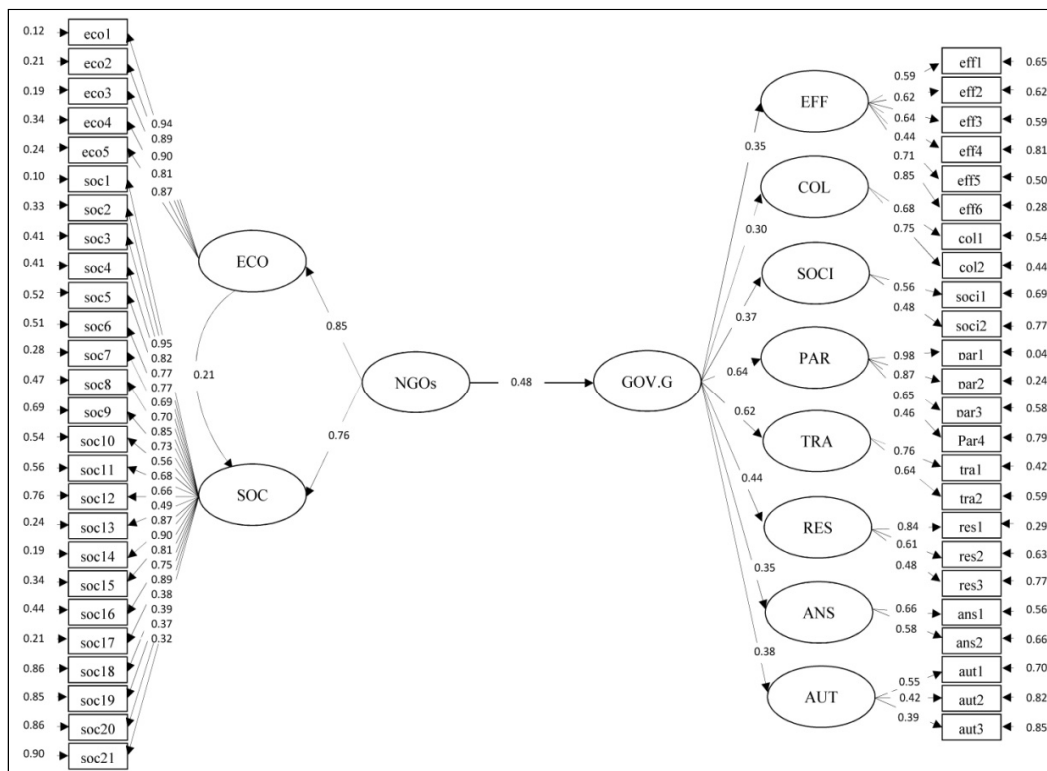
همچنین بر اساس مطالعات صورت گرفته و مدل ساختاری به‌دست آمده، بارهای استاندارد شده نشان می‌دهد (شکل ۴)، تغییرات شاخص حکمروایی مطلوب روستایی به‌واسطه کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد برابر با ۴۸ درصد بوده است. به‌عبارتی،

کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در فضای روستاهای مورد مطالعه ۴۸ درصد از تغییرات واریانس حکمروایی مطلوب روستایی را به خود اختصاص داده است. همچنین یافته‌ها نشان داد که کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد ۳۵ درصد از تغییرات مقوله کارایی و

میزان R^2 مربوط به اثرات اجتماعی برابر با ۷۶ درصد محاسبه شده است. البته اثرات اقتصادی به مقدار ۲۱ درصد از تغییرات کارکرد اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد را دربر می‌گیرد؛ از این‌رو، می‌توان گفت تحول و دگرگونی در شرایط اقتصادی بستر ساز تغییر و تحولات بُعد اجتماعی کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در روستاهای دشت حسین‌آباد غیناب شده است.

اثر بخشی، ۳۰ درصد مقوله جامعیت، ۳۷ درصد مقوله اجماع‌محوری، ۶۴ درصد مقوله مشارکت، ۶۲ درصد مقوله شفافیت، ۴۴ درصد مقوله مسئولیت‌پذیری، ۳۵ درصد مقوله پاسخ‌گویی و ۳۸ درصد از تغییرات واریانس حاکمیت قانونی را شامل می‌شود.

طبق بررسی‌ها، تبعات اقتصادی در ناحیه مورد مطالعه ۸۵ درصد از تغییرات واریانس کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد را به خود اختصاص می‌دهد و



شکل ۴: الگوی کنش کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد با حکمروایی مطلوب روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب (بارهای استاندارد شده)

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۱

نتیجه

مقوله حکمروایی مطلوب سکونتگاه‌های انسانی یکی از انگاره‌های سرزمینی است که می‌توان گفت عمده ابعاد مربوط به زندگی انسانی را دربر می‌گیرد. در روستاها، با حلقه مدیریت روستایی، میان حکمروایی مطلوب و توسعه پایدار این فضاها پیوند و ارتباط برقرار می‌شود. به‌طور کلی می‌توان اذعان داشت که

توسعه پایدار روستایی یکی از آمال و دغدغه‌های اساسی نظامات برنامه‌ریزی به‌شمار می‌رود. به‌منظور کامیابی و استیلای این رویکرد در فضاهای روستایی، یک نظام برنامه‌ریزی باید ابعاد یا زمینه‌های متنابهی را مدنظر قرار دهد تا تفوق در اهداف صورت پذیرد.

به‌ترتیب مؤلفه‌هایی همچون شفافیت، کارایی و اثربخشی، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری و اجماع‌محوری قرار دارد. دلیل اصلی پایین بودن مؤلفه اجماع‌محوری تا حدودی به اعتقاد برجامانده از زندگی عشیره‌ای سابق بازمی‌گردد که برخی معتقدند نیاستی جایگاه زنان را در تصمیمات و حکمروایی با مردان یکسان دانست.

در الگوی اثرگذاری کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد (گروه‌های توسعه روستایی) بر حکمروایی مطلوب روستایی در دشت حسین‌آباد غیناب مشخص شد که سطح قابل‌توجهی از تغییرات واریانس حکمروایی مطلوب روستایی (۴۸ درصد) به واسطه کارکرد گروه‌های توسعه روستایی قابل تبیین است. همچنین از مدل شناخته‌شده این طور برداشت می‌شود که بعد اقتصادی کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد هم دارای تبعات مستقیم بر حکمروایی مطلوب است و هم با اثرگذاری بر بعد اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی، اثری غیرمستقیم نیز بر چگونگی حکمروایی مطلوب در فضاهای روستایی دارد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود:

- کاهش تعداد اعضای این گروه‌ها به ۲۰ تا ۲۵ نفر برای بالابردن کیفیت کارگروه‌ها و هماهنگی بهتر بین اعضا؛

- در اولویت قرار گرفتن این گروه‌ها در جهت گسترش آموزش‌های تکمیلی فنی و حرفه‌ای به منظور بالابردن کیفیت و بازده محصولات تولیدی؛
- در اولویت قرار گرفتن این گروه‌ها در جهت بهره‌مندی از سود صندوق‌های خرد اعتباری؛
- ایجاد حساب ویژه کارگشایی برای پرداخت نقدی دستمزد تولیدکنندگان به صورت وام به این ترتیب که به محض دریافت پول از خریداران، پول داده شده به تولیدکننده به این حساب برگشت داده شود؛
- به چرخش درآوردن سرمایه‌های موجود در صندوق از طریق اعطای وام به اعضا و تشویق رؤسا و منشی‌ها به پرداخت وام به اعضا.

نیل به توسعه پایدار روستایی تا حد قابل‌توجهی متأثر از حکمروایی مطلوب و برپایی کامل آن است. سوگیری فرایندها و مکانیسم‌های فضایی-مکانی در جهت استیلای حکمروایی مطلوب روستایی تابع عوامل عدیده‌ای است که در دو محیط انسانی و محیط طبیعی می‌توان جست‌وجو کرد. سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان شقی از کنش اجتماعی انسان در فضاهای زیستی، نهادهایی هستند که کارکرد آن دارای تبعات گسترده‌ای در سکونتگاه‌های انسانی است. تاکنون تحقیقات صورت‌گرفته بر وجود ارتباط و مناسبات میان کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد با روند پایایی و تداوم حکمروایی مطلوب به‌ویژه در نواحی روستایی دلالت دارد.

به‌منظور بهبود نقش کارکردی سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند حکمروایی مطلوب روستایی، شناخت الگوی برهم‌کنش این دو دارای اهمیت و ضرورتی بنیادی است. در این مقاله تلاش شد تا الگوی اثرگذاری گروه‌های توسعه روستایی به‌عنوان نمادی از سازمان‌های مردم‌نهاد در دشت حسین‌آباد غیناب سربیشه بر حکمروایی مطلوب روستاهای آن مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد.

اثرات گروه‌های توسعه روستایی در دو بعد اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته که میزان اثرات این گروه‌ها هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه اجتماعی در حد متوسط ارزیابی شده است. در مجموع زمینه اقتصادی به سبب واگذاری اعتبارات و افزایش دسترسی روستاییان به وام‌های اشتغال‌زا، درآمد کلی خانوارها تحت‌تأثیر قرار گرفته است. همچنین به لحاظ اجتماعی نیز زمینه گسترش استفاده از انرژی خورشیدی به‌عنوان انرژی نو در ناحیه حسین‌آباد غیناب را افزایش داده است.

سطح حکمروایی مطلوب روستایی در ناحیه مورد مطالعه در حد متوسط ارزیابی شده است. در میان مؤلفه‌های حکمروایی مطلوب روستایی، جامعیت و مشارکت دارای بالاترین سطح بوده است. پس از آن

منابع

- آرای، حمید (۱۳۸۸). حکمرانی خوب الگویی جدید در سیاست‌گذاری عمومی، شبکه اینترنتی آفتاب. مشاهده شده در سایت:
http://www.aftabir.com/articles/view/politics/political_science/c1c1239091893_govern_pl.php
- استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها، فصلنامه جغرافیا. شماره ۳۲. صفحات ۲۵۸-۲۳۹.
- افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین؛ جلال عظیمی‌آملی؛ مهدی پورطاهری؛ زهرا احمدی‌پور (۱۳۹۰). تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران، نشریه پژوهش‌های روستایی. سال دوم. شماره چهارم. زمستان. صفحات ۱-۳۴.
- افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین؛ مهدی پورطاهری؛ حمدالله سجاسی (۱۳۸۸). تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی: نمونه موردی روستاهای شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه. سال دوازدهم. شماره ۳. صفحات ۷۲-۴۳.
- جاسبی، جواد؛ ندا نفری (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب برپایه نظریه سیستم‌های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران. شماره ۱۶. صفحات ۱۱۷-۸۵.
- خورشیدوند، رحیم (۱۳۸۸). بررسی نقش مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در برقراری نظم و امنیت، دوم‌نامه توسعه انسانی پلیس. شماره ۲۵. صفحات ۳۳-۴۲.
- دربان‌آستانه، علیرضا؛ محمدرضا رضوانی؛ سیدحسن مطیعی‌لنگرودی؛ سیدعلی بدری (۱۳۸۹). سنجش و تحلیل عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۳. صفحات ۱۱۸-۹۹.
- رحیمی، فاطمه؛ مریم اسماعیلی؛ ابوالقاسم نوری؛ علیرضا مهدوی (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. دوره ۱. شماره ۴. صفحات ۶۲-۴۵.
- رزمی، محمدرضا؛ سمیه صدیقی (۱۳۹۱). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی، چهارمین همایش ملی اقتصاد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس. تهران.
- زیبایی، نیره (۱۳۸۷). حکمروایی شهری زمینه‌ساز پایداری شهر، مشاهده شده در سایت:
<http://citymanager.blogfa.com>
- سلطانی، صدف (۱۳۸۸). نقش انجمن‌های مردم‌نهاد در تعیین سیاست‌های دولت، پایان‌نامه دکتری. گروه مدیریت دولتی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۱). موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران، رساله دکتری دانشکده علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- شاه‌بهرامی، فرخ‌اله؛ زهرا پیشگاهی‌فرد؛ کیانوش زال‌پور؛ تقی بختیاری (۱۳۸۹). تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بر پیشگیری از ارتکاب جرم زنان سرپرست خانوار، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، صفحات ۵۱۸-۵۰۴.
- عربشاهی، زهرا (۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم زیر ذره‌بین حکمروایی خوب شهری، نشریه شهرداری‌ها، شماره ۶۹. بهمن.
- عظیمی‌آملی، جلال؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۳). حکمروایی روستایی: مدیریت توسعه پایدار، انتشارات سمت.
- علی‌الحسابی، مهران (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی نمونه موردی: بندر لافت، نشریه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۴. تابستان. صفحات ۴۸-۳۵.
- عمادی، محمدحسین (۱۳۸۷). فرایند توسعه و ویژگی‌های جنبش تعاونی کشاورزی در کره جنوبی، مجله جهاد. سال ۱۸. شماره ۲۱۶ و ۲۱۷.
- فال‌سلیمان، محمود؛ محمدحجی‌پور (۱۳۹۰). واکاوی میزان پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد در مناطق روستایی: تجربیات پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در استان خراسان جنوبی، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. شماره ۲۳. صفحات ۱۲۷-۱۰۷.

- Besley, T. & Ghatak, M. (1999). Public-Private Partnerships for the Provision of Public Goods: Theory and an Application to NGOs. The Development Economics Discussion Paper Series, London School of Economics Administration. Vol.79. No.1.
- Cernea, M. M. (1988). Nongovernmental organizations and local development. World Bank Discussion Papers, No. 40. Washington, DC: The World Bank.
- Collingwood, V (2006). Non-governmental organizations, power and legitimacy in international society. Review of International Studies 32: 439-454.
- Cornwall, A (2002). Making Spaces, Changing Places: Situating participation in development. IDS working paper 170, Brighton, England.
- Goodwin, M. (1998). The Governance of Rural Areas: Some Emerging Research Issues and Agendas, Journal of Rural Studies, Volume 14, Number 1, January, PP: 5-12(8)
- Kaufmann, D.; kraay, A& Lobaton, Z (2000). Policy research working paper. Governance matters. Development Research Group Macroeconomics and Growth and World Bank nstitute Governance, Regulation and Finance .October 1999.
- Lawry, L (2009). Guide to Nongovernmental Organizations for the Military, A primer for the military about private, voluntary, and nongovernmental organizations operating in humanitarian emergencies globally Originally written by Grey Frandsen Fall 2002.
- Lehmann, A. D (1979). Development Theory: Four Critical Studies, Frank Cass, London.
- S.A.R.D.F-South African Rural Development Framework. (2005). available on <http://cbdd.Wsu.Edu/kew/content/cdoutput/tr501/Page58.htm>.
- Lowndes V.; Pratchett, L.; & Stoker, G (2001). Trends in Public Participation: Part 1: Local Government Perspectives, Vol. 79, No. 1, PP: 205-222.
- Madon, S (1999). International NGOs: Networking, information flows and learning. Journal of Strategic Information Systems 8:251-161.
- Mattingly, M (1994). The Meaning of Urban Management. Cities. Vol 11. No, PP: 201-205.
- Mc Gill, R (1998). Urban Management in Developing Countries. Cities. Vol. 15, No. 6, PP: 463-471.
- فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۲۶. صفحات ۵۸-۳۵.
- فرزین‌پاک، شهرزاد (۱۳۸۳). از آموختنی‌های شهر، حکمروایی خوب چیست؟، مجله شهرداری‌ها. شماره ۶۹.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۸۰). بررسی تحلیلی سیر تکوین نهادهای محلی ایران در دوران معاصر و ارائه الگوی مناسب. رساله دکترای جغرافیای سیاسی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- قنبری، علی (۱۳۹۱). توسعه اقتصادی و توسعه انسانی، تهران. نشر چالش.
- کایر، آنهمته (۱۳۸۶). حاکمیت: مفاهیم کلیدی، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۱). راهنمای سازمان‌های غیر دولتی NGOs تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- محمدی، محمد (۱۳۸۳). سازمان‌های غیردولتی: تعاریف و طبقه‌بندی‌ها، فصلنامه مطالعات مدیریت. شماره ۴۱-۴۲.
- مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن؛ ابراهیم شمسایی (۱۳۸۸). توسعه و کشاورزی پایدار: از دیدگاه اقتصاد روستایی، انتشارات دانشگاه تهران.
- وزارت کشور. (۱۳۹۲). آمار سازمان‌های مردم‌نهاد در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، مشاهده شده در سایت: <http://moi.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?>
- Andersen, H. T. & Van Kempen, R. (2003). New Trends in Urban Policies in Europe: Evidence from the Netherlands and Denmark, Cities, Vol. 20, No. 2, PP:77-86.
- Andersson, V. (2008). Social Organisations and Local NGO's in Rural Bolivia. Paper for the conference: "New Latin American Development Strategies in a Changing International Economic & Political Context" Aalborg University, May 20th - 22nd, 2008. Denmark.

- UN-HABITAT (2002). Global campaign on urban Governance: concept paper, 2nd Edition, Nairobi.
- UN-HABITAT (2006). the Urban Governance Index. A Tool of the Quality of Urban, Governance, Beirut.
- Welch, R (2002). Legitimacy of rural local government in the new governance environment, Journal of Rural Studies, Volume 18, Issue 4, October, Pages 443-459
- Yaw A. D. & Pareker, A. (1994). The Role of Non-governmental Organisations in Rural Development: The Case of the Voluntary Workcamps Association of Ghana. Journal of Social Development in Africa, 9 (1), PP: 27-39.
- Yetano, A; Royo, S.; & Acerete, B (2009). What is Driving the Increasing Presence of Citizen Participation Initiative?. Research Project, Facultad de Ciencias Económicas y Empresariales, Universidad de Zaragoza, Spain.
- Oyugi, W. O (2004). The Role of NGOs in Fostering Development & Good Governance at the Local Level in Africa with a Focus on Kenya. Africa Development journals .Vol 29, No 4.19-55
- Rakodi, C (2001). Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries. Journal of JAG, Vol.3- Issue. 3, PP:209-223.
- Sharma, S. K (1989). Municipal Management. Urban Affairs Quarterly, India, Vol. 21, PP. 47-53.
- UNDP (2000). Report Deepening Democracy in a fragmented world, oxford university press ,2002, PP:36-27
- UNESCAP (2009). What is Good Governance? [online] Available: <http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.asp>